

نقد و بررسی ماده‌ی ۲۴ لایحه‌ی حمایت از خانواده

(مصوب ۱۳۸۹ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی)

محمد تقی کرمی*
مهدی سجادی امین

چکیده

چندی پیش لایحه‌ای از سوی دولت با عنوان «حمایت از خانواده» به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شد. کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس پس از بررسی این ماده، جواز تعدد زوجات را منحصر در ۱۰ مورد دانست. در این نوشتار با دفاع کلامی از آموزه‌ی تعدد زوجات، این امر برخلاف مبانی فقهی دانسته شده و ثابت شده است که محدود کردن تعدد زوجات به فرض‌های نادر، ضرورت اجتماعی چندهمسری نسبت به زنان و دخترانی را که نمی‌توانند همسر اول شوند، برطرف نکرده و علاوه بر ستم به این زنان و دختران در فرض عدم ازدواج، موجب گسترش فساد، ارتباطات مخفیانه، و در بعضی موارد شیوع طلاق خواهد شد.

کلید واژه

ماده‌ی ۲۳ و ۲۴ لایحه‌ی حمایت از خانواده، تعدد زوجات، چندهمسری، شرایط ازدواج مجدد، خانواده.



موضوع چندهمسری جزء مباحث اجتماعی بحث برانگیز به شمار می‌رود. توجه قوای مقننه، مجریه و قضائیه به این موضوع در سالیان اخیر، اهمیت بحث را آشکارتر می‌کند. حمایت از حقوق زنان، سلامت جامعه و پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم چندهمسری بر خانواده، به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی، مهم‌ترین مولفه‌هایی است که موافقان و مخالفان این مسئله در مباحث خود مطرح می‌کنند. با این وجود، عواملی همچون تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، رویکردهای کلی جامعه بشری، احکام اسلام و آیات قابل تفسیر قرآن کریم بر پیچیدگی موضوع می‌افزایند.

۱) تعریف چندهمسری

چندهمسری، به نوعی رابطه‌ی تعریف شده‌ی اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن یک مرد یا یک زن، رسماً و هم‌زمان با بیش از یک جنس مخالف ازدواج کند (کوئن بروس ۱۳۷۷: ۱۲۷). البته حالتی از تعدد همسر که در آن یک زن بتواند هم‌زمان بیش از یک شوهر داشته باشد پدیده‌ای نادر است که فقط از برخی قبائل مثل توداهای جنوب هند (گیدنز ۱۳۷۶: ۴۱۵ و ۴۱۶)، و تبت (مور ۱۳۷۶: ۳۳) گزارش شده است. بر اساس یک مطالعه‌ی تطبیقی تنها در چهار جامعه از ۵۶۵ جامعه‌ی بررسی شده، چند شوهری رایج بوده است یعنی کمتر از یک درصد (گیدنز: همان).

به هر حال آنچه از چندهمسری به ذهن متبادر می‌شود و شکل قانونی به خود گرفته فقط حالتی است که در آن مردی بیش از یک زن داشته باشد، که از آن به تعدد زوجات و گاه ازدواج مجدد تعبیر می‌شود. در بعضی از کشورها برای مرد، داشتن بیش از یک همسر، کاملاً معمول بوده و این امر چه به لحاظ فرهنگی و چه به لحاظ قانونی کاملاً پذیرفته شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اروپائی و آمریکائی چندهمسری نه تنها، به لحاظ فرهنگی، پدیده‌ای مطرود به شمار می‌رود بلکه ممنوعیت قانونی نیز دارد.

در ایران باستان، اساس خانواده بر تعدد زوجات استوار گردیده و دین زرتشت آن را تأیید کرده بود، به طوری که گاه مرد می‌توانست چند زن در خانواده داشته باشد (راوندی ۱۳۴۷: ۴۲). عده‌ی زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد، بستگی به استطاعت او داشت (شیخ الاسلامی ۱۳۵۶: ۳۱). در حرمسرای خسرو دوم دوازده هزار زن و کنیز یا به نقلی سه هزار زن و هزاران کنیز وجود داشته است (کلیما ۱۳۷۱: ۱۱۸)، ولی رفته رفته از رواج آن کاسته شده تا جایی که امروزه، کمتر زن یا دختری را می‌توان یافت که حاضر باشد همسر دوم شود.

۲) ضرورت بحث

بسیاری از افراد به ویژه بانوانی که ازدواج کرده یا احتمال ازدواج کردن آنها بالاست، به شدت مخالف چندهمسری مردان بوده و آن را نمادی از نادیده گرفتن حقوق زنان می‌شمرند. برخی از صاحب‌نظران، معتقدند چندهمسری موجب تزلزل نظام خانواده است. این در حالی است که عده‌ای دیگر، با استناد به مجاز شمردن این پدیده در اسلام نه تنها با آن موافق‌اند بلکه آن را به عنوان راه حلی برای بسیاری از مشکلات اجتماعی امروز کشور توصیه می‌کنند. این دسته معتقدند به موازات سخت‌گیری برای از بین بردن روابط نامشروع در جامعه و در نظر گرفتن تنبیه برای مرتکبین آن، باید از راه‌کارهای شرعی و سالم روابط جنسی حمایت کرد. زیرا اگر هم در زمینه‌ی روابط نامشروع و هم راه‌کارهای شرعی و سالم روابط جنسی محدودیت ایجاد شود، روابط به شکل پنهان در می‌آیند که قطعاً نه به نفع زنان است و نه به نفع جامعه. این دسته معتقدند رسمیت بخشیدن و تعیین حدود و شرایط برای روابط جنسی در چهارچوب‌هایی که شرع و قانون مشخص کرده‌اند در وهله‌ی اول به نفع زنان است.

در این نوشته با دفاع از آموزه‌ی تعدد زوجات و بیان شرایط آن، بر ضرورت اجتماعی آن تأکید شده است. همچنین پیشنهاد شده است که در راستای تحکیم خانواده باید تنها قوانینی وضع شود که از ازدواج مجدد مردان هوسران که فاقد صلاحیت شرعی و ناتوان در اجرای عدالت بین همسران هستند جلوگیری شود.

۳) تعدد زوجات در قوانین ایران

قبل از نقد و بررسی برخی از شرایط ماده‌ی مذکور به سیر تحولات قانون تعدد زوجات در قوانین ایران پرداخته می‌شود.

در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، که اولین قانون مصوب در امور حقوقی از جمله نکاح و طلاق است حکمی که در آن به صراحت از قانونی بودن تعدد زوجات بحث شده وجود ندارد، اما جواز آن به عنوان پیش‌فرض و امری مسلم قلمداد شده و موادی به بحث از آثار آن پرداخته‌اند (قانون مدنی، مواد ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۴۲، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹).^۱

۱. ماده ۹۰۰ ق.م: «فرض دو وارث ربع ترکه است: ... ۲) زوجه یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد».
ماده ۹۰۱ ق.م: «ثمن، فریضه زوجه یا زوجه‌ها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد».
ماده ۹۴۲ ق.م: «در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد، بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود».
ماده ۱۰۴۸ ق.م: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگرچه به عقد منقطع باشد».
ماده ۱۰۴۹ ق.م: «هیچ‌کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود».

مطابق ماده‌ی ۶ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰، مرد مکلف شده اگر همسر دیگری دارد باید هنگام ازدواج مجدد به همسر جدید و عاقد اطلاع دهد وگرنه مجازات خواهد شد. از این ماده نیز اصل جواز تعدد زوجات فهمیده می‌شود.

بر اساس ماده‌ی ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، مرد برای ازدواج مجدد نیاز به اجازه دادگاه دارد: «هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن همسر دیگری اختیار نماید باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه‌ی اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶-۱۳۱۰ محکوم خواهد شد».

اما در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ برای ازدواج مجدد مرد شرایط خاصی وضع شد. در مواد ۱۶ و ۱۷ این قانون چنین آمده است:

«ماده ۱۶ - مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

۱. رضایت همسر اول؛ ۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛ ۳. عدم تمکین زن از شوهر؛ ۴. ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸؛ ۵. محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸؛ ۶. ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸؛ ۷. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛ ۸. عقیم بودن زن؛ ۹. غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.

ماده ۱۷ - ... دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه‌ی اختیار همسر جدید خواهد داد... هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند».

پس از انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی با توجه به اصل ۴ قانون اساسی که کلیه مقررات باید موافق شرع اسلام باشد، شورای نگهبان برخی قوانین سابق را باطل اعلام کرد، اما در خصوص مواد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ شورای نگهبان نظر صریحی که حاکی از عدم انطباق این مقررات با مقررات اسلامی باشد، صادر نکرد جز در مورد ماده ۱۷ که برای تخلف مرد از شرایط مقرر، مجازات قرار داده بود. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۳/۵/۹، این مجازات را خلاف شرع تشخیص داد و در نتیجه این مجازات جنبه‌ی قانونی خود را از دست داد (مهرپور: ۲۶۸).

قوه‌ی قضائیه در دی ماه سال ۱۳۸۵ در راستای هماهنگی و تعیین تکلیف قوانین متفرق در حوزه-

ی خانواده، لایحه «حمایت از خانواده» را تصویب و برای طی مراحل قانونی در اختیار هیئت دولت قرار داد. این لایحه در تاریخ ۸۶/۳/۱ با افزوده شدن دو ماده‌ی ۲۳ و ۲۵ و انجام تغییراتی در سایر مواد آن، پس از تصویب در هیئت وزیران برای تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. ماده‌ی ۲۳ این لایحه مربوط به شرایط جواز تعدد زوجات است.

ماده‌ی ۲۳ که توسط هیئت دولت اضافه شد عبارت است از: «اختیار همسر بعدی، منوط به اجازه‌ی دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران است.

تبصره: در صورت تعدد ازدواج چنانچه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید، اجازه‌ی ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه‌ی زن اول است».

در این ماده برای ازدواج مجدد اجازه‌ی دادگاه لازم دانسته شده و دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد او به اجرای عدالت بین همسران مجوز ازدواج را صادر خواهد کرد. البته بر اساس تبصره‌ی ذیل این ماده، اگر مهریه‌ی همسر اول، حال باشد و او مهریه را مطالبه کند، قبل از ثبت ازدواج دوّم باید زوج مهریه را به او بپردازد.

کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ضمن تغییر متن ماده‌ی ۲۳، جواز تعدد زوجات را منحصر به ۱۰ مورد دانسته و شماره ماده‌ی آن را نیز به ۲۴ تغییر داد و پس از تصویب آن در این کمیسیون، برای سایر مراحل قانونی آماده کرد. متن ماده‌ی ۲۴ که به تصویب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی رسیده، از این قرار است:

در موارد زیر دادگاه اجازه‌ی ازدواج مجدد دائم برای زوج صادر می‌نماید:

۱. رضایت همسر اول.
۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی.
۳. عدم تمکین زن از شوهر پس از صدور حکم دادگاه.
۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج.
۵. محکومیت قطعی زن در جرائم عمدی به مجازات یک سال حبس یا جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به یک سال بازداشت شود.
۶. ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد کند.

۷. سوء رفتار یا سوء معاشرت زن به حدی که ادامه‌ی زندگی را برای مرد غیر قابل تحمل کند.

۸. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن به مدت شش ماه.

۹. عقیم بودن زن.

۱۰. غایب شدن زن به مدت یک سال.

تبصره - متقاضی باید دادخواست خود را به طرفیت همسر اول با ذکر علل و دلایل آن تهیه و به دادگاه تسلیم کند».

بنابراین اصل بر این است که هر مرد صرفاً باید یک همسر داشته باشد و اختیار کردن همسر دوم باید یک امر استثنایی باشد و فقط در مواردی انجام شود که یا همسر اول رضایت داشته باشد یا به تشخیص دادگاه، زن یکی از مشکلات مذکور در ماده‌ی ۲۳ لایحه حمایت از خانواده را داشته باشد.

۴) بررسی اشکالات ماده‌ی ۲۳ لایحه حمایت از خانواده

نسبت به ماده ۲۳ و انحصار تعدد زوجات در موارد مذکور، سؤالات و اشکالاتی مطرح است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود:

۴-۱) اشکالات شرط اول: رضایت همسر اول

از انحصار ازدواج مجدد به رضایت همسر اول استفاده می‌شود که در صورت راضی نبودن وی و نبودن سایر مشکلات در زوجه، ازدواج مجدد مرد قانونی نیست. سؤال این است چرا ازدواج مجدد به رضایت همسر اول منوط شده است؟
برای روشن شدن این اشکال توجه به دو نکته لازم است:

- نکته‌ی اول

اصل مسلم فقهی، عدم ولایت احدی بر احدی است (نراقی: ۵۲۹؛ نجفی: ج ۳۱، ص ۲۸۴). در تعریف ولایت گفته شده است: «ولایت یعنی حکومت و سلطه‌ی یک شخص نسبت به جان، مال یا سائر شئون فرد دیگر» (یزدی: ج ۲، ص ۲).

بنابراین در هر جایی که ولایت شخصی بر دیگری، یا حق ایجاد محدودیت نسبت به فردی در قبال آزادی و انتخاب فرد دیگر ادعا شود نیاز به دلیل دارد. مثل ولایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) بر دیگران، ولایت فقیه، ولایت پدر و ...

نسبت به مداخلت اذن و اجازه‌ی زوجه در ازدواج مجدد زوج، در چند مورد، دلیل خاص وجود دارد. اگر مردی بخواهد با دختر خواهر یا دختر برادر همسرش (مفید ۱۴۱۳ه.ق: ۵۰۴؛ یزدی ۱۴۱۹ه.ق: ج ۵، ص ۵۴۴؛ قانون مدنی: ماده ۱۰۴۹) و یا با عقد نکاح با کنیزی محرم شود (جبعی عاملی ۱۴۱۰ه.ق: ج ۵، ص ۱۹۲؛ طباطبائی ۱۴۱۸ه.ق: ج ۱۱، ص ۳۲۰ و ۲۲۰) باید با اذن همسرش باشد.

حال اگر ادعا شود که مرد در ازدواج مجدد باید رضایت همسر اول را احراز کند، چون این ادعا بر خلاف اصل اولیه است، نیاز به دلیل خاص دارد.

روشن است که صرف عقد ازدواج بین مرد و همسر اول نمی‌تواند سبب محدودیت مرد و سلب اختیار او در ازدواج مجدد شود. زیرا عقد ازدواج هر چند مسئولیت و محدودیت‌هایی را برای زوجین ایجاد می‌کند، اما این مسئولیت‌ها دو منشأ ممکن است داشته باشد:

الف. دستورات شرع؛ مثل لزوم تمکین، و عدم خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، برای زن؛ و یا لزوم پرداخت نفقه و مهریه برای مرد.

ب. شروط ضمن عقد نکاح.

لزوم رضایت زوجه در ازدواج دوم زوج، نه در شرع ذکر شده (که در مباحث آینده به آن پرداخته خواهد شد) و نه (بر طبق فرض) طرفین در عقد نکاح شرط کرده‌اند.

بنابراین لزوم رضایت همسر اول نمی‌تواند از این دو، ناشی شده باشد، اگرچه منشأ سوّمی ممکن است فرض شود که در آینده به آن اشاره خواهد شد.

- نکته‌ی دوّم

جواز تعدد زوجات از احکام مسلم و قطعی در شریعت اسلام است، البته در برخی کتاب‌ها به شیخ طوسی نسبت داده شده که ایشان قائل به کراهت ازدواج با بیش از یک زن بوده است (نجفی: ج ۲۹، ص ۳۵؛ بحرانی ۱۴۰۵ هـ ق: ج ۲۳، ص ۱۷)، اما آنچه در کتاب مبسوط آمده است، استحباب اکتفای به یک همسر است (طوسی ۱۳۸۷ هـ ق: ج ۶، ص ۴) نه کراهت ازدواج دوّم، و در کتاب خلاف استحباب اجتناب از ازدواج با همسران متعددی که علم دارد نمی‌تواند به امور آنها رسیدگی کند، مطرح شده است (طوسی ۱۴۰۷ هـ ق: ج ۵، ص ۱۱۱).

از مهم‌ترین ادله‌ی اقامه شده بر جواز تعدد زوجات، آیه‌ی ۴ سوره نساء است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعًا»؛ هر چه از زنان که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید.

در هر صورت چه تعدد زوجات جائز باشد یا مستحب، این آیه جواز آن را مطلق بیان کرده و قیدی نسبت به لزوم رضایت زوجه نیاورده است، و از ذکر نکردن این قید نتیجه می‌گیریم چنین شرطی در جواز تعدد زوجات وجود ندارد و گرنه لازم بود ذکر شود.

البته ممکن است گفته شود که این آیه در مقام بیان شرایط تعدد زوجات نیست بلکه صرفاً در مقام بیان اصل جواز یا استحباب این عمل است، و نسبت به شرایط آن اصطلاحاً در مقام اهمال است، لذا نمی‌توان به اطلاق این آیه برای نفی لزوم رضایت زوجه استناد کرد.

هر چند این اشکال فی حد نفسه وارد است و نمی‌توان در مقام بیان، بودن این آیه را نسبت به شرایط تعدد زوجات به راحتی احراز کرد، اما با توجه به روایات متعددی که در مقام بیان وظیفه مکلفین در خصوص ازدواج مجدد بوده، و اطلاق لفظی و یا نهایتاً اطلاق مقامی^۱ نسبت به لزوم این شرط (رضایت زوجه در ازدواج مجدد) دارند، می‌توان حکم به عدم لزوم این شرط کرد. روایات زیادی وجود دارد که به مسئله‌ی تعدد زوجات پرداخته‌اند و با اینکه در مقام بیان وظایف مکلفین بوده‌اند، اما در آنها هیچ اشاره‌ای به لزوم احراز رضایت همسر اوّل برای ازدواج دوّم نشده است (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ه.ق: ج ۲۰، ص ۲۴۱). برخی روایات بیانگر این هستند که نه تنها رضایت زوجه در ازدواج مجدد شرط نیست، بلکه اگر زوجه از این کار ناراضی هم باشد و نارضایتی خود را نیز ابراز کرده باشد، باز هم تعدد زوجات جایز است. این مطلب از روایاتی استفاده می‌شود که زن به گونه‌ای یا در هنگام عقد و یا بعد از ازدواج با شوهرش شرط می‌کند که با زن دیگری ازدواج نکند، ولی در عین حال امام (ع) تعدد زوجات را مشروط به رضایت همسر اوّل نکرده‌اند (کلینی ۱۴۰۷ ه.ق: ج ۵، ص ۴۰۳).

۴-۱-۱) وجوه ذکر شده برای لزوم رضایت همسر اوّل

در نکته‌ی اوّل بیان شد لزوم رضایت همسر اوّل برای ازدواج مجدد از لوازم زوجیت نیست و فرض این است که در ضمن عقد نیز مطرح نشده تا رعایت آن لازم باشد. ممکن است منشأ دیگری برای لزوم رضایت همسر اوّل در ازدواج مجدد، بیان شود که به موجب آن خانواده از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود و می‌توان آن را سبب تحکیم خانواده دانست. این منشأ با بیان‌های متفاوتی مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) آثار سوء چندهمسری در خانواده و اجتماع

اقدام مردان به ازدواج مجدد عواطف زن اوّل را جریحه‌دار کرده، وی را دچار ناامیدی و بی‌محبتی به شوهر می‌کند و حس انتقام‌جویی را در او شعله‌ور می‌سازد، لذا کار خانه را به اهمال گذرانده، در تربیت اولاد کوتاهی می‌کند و در تلافی با مردها، دست به خیانت در مال و ناموس زده و در نتیجه اجتماع را به سقوط سوق می‌دهد. بنابراین کسانی به ازدواج مجدد اقدام می‌کنند که اهمیت چندانی به

۱. اگر مجرای اطلاق، لفظ باشد، اطلاق لفظی نامیده می‌شود، ولی گاهی بستر اطلاق، خواست و غرض مولا است. مثلاً از جانب مولا حکمی صادر شده، لیکن دخالت چیزی در تحقق غرض وی یا مانعیت آن از تحقق غرض، مشکوک است. در صورتی که مولا هنگام صدور حکم، در مقام بیان همه آنچه که در غرض وی دخالت داشته، بوده است، نسبت به دخالت یا مانعیت مشکوک، به اطلاق مقامی، استناد و مشکوک، نفی می‌شود. (ر.ک: جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۱، ص: ۵۵۲).

تربیت فرزندان خود نمی‌دهند و گرمی کانون خانواده در نزد آنها اهمیت زیادی ندارد (اخوان بی‌طرف، ۸۸/۱۱/۷، www.asriran.com). (در منابع نیامده؟)

برخی تعدد زوجات را موجب بغض و دشمنی همسران با یکدیگر و خروج مرد از حدود عدالت نسبت به همسران دانسته، لذا ادعا کرده‌اند که ازدواج مجدد مکروه است (اشتهاردی ۱۴۱۷ هـ ق: ج ۲۹، ص ۱۹).

برخی با نگاه جامعه‌شناسی به مسئله‌ی تعدد زوجات پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که جامعه‌ی ایرانی تاب پذیرش چندهمسری را ندارد لذا چنین قانونی یا نباید تصویب شود و یا با قرار دادن شروط زیاد باید آن را به حداقل کاهش داد (علی‌احمدی ۸۶۷/۵).

ب) چندهمسری و ترغیب مردان به هوسرانی

مخالفان تعدد زوجات معتقدند جواز چندهمسری به نوعی شهوت‌رانی را در جامعه تقویت می‌کند (طباطبایی ۱۴۱۷ هـ ق: ج ۴، ص ۱۸۴). بنابراین مشروط کردن این عمل به شرایطی از جمله رضایت همسر اول، که نادرالوقوع است، موجب می‌شود که مردان نتوانند با آزادی تمام و فراغت بال به این عمل مبادرت ورزند.

ج) چندهمسری؛ یک معادله‌ی نابرابر

در این قانون، شأن و جایگاه زنان پایین آمده و هر چهار زن معادل یک مرد قرار داده شده است (همان)، که این مصداق اضرار به همسر اول است و در شریعت اسلام ضرر زدن به دیگران نفی شده است. اما از آنجا که نمی‌توان این قانون را به طور کلی نفی کرد، شرط رضایت همسر به گونه‌ای می‌تواند این معادله را تعدیل کند.

د) نقد و بررسی

قبل از بررسی این موارد به عنوان منشأیی برای لزوم رعایت رضایت همسر در ازدواج مجدد، به دو مقدمه اشاره می‌شود:

- رجحان مصالح نوعیه بر مصالح شخصی در تدوین قوانین اجتماعی

در برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی، مصالح نوعیه، یعنی مصالحی که نفعشان به عموم مردم و جامعه می‌رسد، مقدم بر مصالح شخصی و فردی می‌باشد. به این معنا که هر چند در تدوین یک برنامه‌ی کلی برای یک جامعه ممکن است از برخی افراد منافی سلب شود، اما در مجموع به نفع همگان خواهد بود.

در کتاب فلسفه حقوق خانواده آمده است قابل انکار نیست که دولت می‌تواند و بایستی در مواردی که منافع خصوصی مزاحم منافع عمومی شود، به نفع منافع عمومی دخالت نماید، و این مسئله مسلم است که منافع جمعی بر منافع فردی ترجیح دارد (حکمت نیا ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۳۳). در ادامه خواهد آمد که تشریح تعدد زوجات از برنامه‌هایی است که هرچند برای بسیاری از زنان اول ناخوشایند است اما در مجموع به نفع جامعه تمام می‌شود.

بنابراین اگر مجلس یا هر نهاد دیگری در پی محدودیت قانونی باشند که در شریعت تجویز شده است، باید ادله‌ای محکم و یقین‌آور بر لزوم این محدودیت اقامه کنند تا بر این اساس آن قانون محدود گردد.

امام خمینی در عین اعتقاد به ولایت مطلقه‌ی فقیه و دفاع همه جانبه از آن و تلاش برای تحقق عینی آن در جامعه وجود منفعت عمومی و مصلحت جمعی را به عنوان یک قید برای اختیارات ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی مطرح می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «فقیه مجاز نیست بدون وجود یک مصلحت عمومی، زوجه شخص را بدون رضایت او طلاق دهد یا مالش را بفروشد یا از او بگیرد» (خمینی: ج ۲، صص ۶۵۴ و ۶۵۵).

باید توجه داشت محاسبه‌ی پیامدهای فرهنگی تغییر یک قانون و پذیرش یک نهاد بر اساس مصلحت، امری بسیار سخت است و بی‌توجهی به آنها ممکن است موجب بروز اثراتی شود که جبران آنها کار ساده‌ای نیست.

علاوه بر این اگر در موردی بخواهیم مصلحت‌سنجی کنیم، ضابطه‌ی آن کدام است؟ چه کسانی و با چه پشتوانه‌ی علمی می‌توانند این کار را انجام دهند؟ معیار داوری کدام است؟ آثار مترتب دراز مدت چگونه محاسبه می‌شود؟ و ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- خانواده یک نهاد اجتماعی با کارکردهای منحصر به فرد

اسلام بنیان خانواده را از مهم‌ترین بنیادهای اجتماعی و در جهت بقای نسل انسان (بقره: ۲۲۳)، سکونت و آرامش (روم: ۲۱؛ اعراف: ۱۸۹؛ حر عاملی: ۱۴۰۹ ه.ق: ج ۲۰، ص ۱۳)، ارضای غریزه جنسی (حرعاملی: ج ۲۰، صص ۲۳ و ۱۳)، مشارکت در امور مادی و معنوی (حرعاملی: ج ۵، ص ۲۹۹ و ج ۲۰، ص ۴۱) و تربیت نسل (تحریم: ۶) دانسته و محیطی برای تربیت و پرورش انسان‌های شایسته و محلی برای رشد ارزش‌های والای معنوی تلقی کرده است و برای سلامت و پیشگیری از تزلزل آن، دستورات فراوانی داده است. بخش مهمی از کارکردهای خانواده مثل ارضای نیازهای جنسی و عاطفی همسران منحصر به آن است و هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند به آنها تحقق بخشد.

اسلام همان‌گونه که عقد ازدواج بین مرد و همسر او را موجب تشکیل خانواده، پیدایش حقوق و تکالیف و در نهایت وسیله‌ای برای رسیدن به کارکردهای مهم تشکیل خانواده می‌داند، بر اساس مصالحی، تحقق عقد ازدواج بین مرد و همسران دیگر را نیز موجب تشکیل خانواده، پیدایش حقوق و تکالیف و وسیله‌ای برای رسیدن به کارکردهای مهم آن می‌داند. بنابراین قوانینی که به عنوان حمایت از خانواده تدوین می‌شوند، با فرض ضرورت اجتماعی ازدواج مجدد^۱، باید در راستای تحکیم همهی این خانواده‌ها باشند، نه اینکه تدوین قوانین به گونه‌ای باشند که از همان ابتدا زمینه‌ی ایجاد خانواده‌های بعد را از بین ببرند.

به تعبیر دیگر هرگاه جواز یا استحباب تشکیل خانواده‌های دیگر و ضرورت اجتماعی آن در جامعه اثبات شد، قانون‌گذار در مقام تدوین قانون باید نگاهی جامع داشته باشد و از موضعی فراتر مصالح اجتماعی را تحلیل نماید؛ نه اینکه در لایحه‌ای که به نام تحکیم خانواده ارائه می‌شود، تنها به خانواده‌ی اوّل نگاه کند، و به خانواده‌ی دیگر علی‌رغم ضرورت آن توجهی نکند و با وضع مقرراتی موجب محقق نشدن آنها یا تحقق آنها در فرض‌های نادر شود.

اگر به دغدغه‌ها و پیش‌فرض‌های دختران و زنانی که به همسر دوم شدن رضایت می‌دهند، توجه شود، تأمل بیشتری در قانون محدودیت تعدد زوجات خواهد شد.

بنابراین نسبت به خانواده که یک نهاد اجتماعی با کارکردهای منحصر به خود است به گونه‌ای که هیچ نهاد دیگری توان تحقق همهی آنها را ندارد، باید قوانینی وضع شود که موجب کاهش رفتارهای جنسی مجرمانه و هدایت امور جنسی به مسیر مشروع گردد و در نهایت باعث افزایش انگیزه‌ی حمایت‌گری از زنان و فرزندان بی‌سرپرست، گردد تا حمایت از نظام خانواده در مقیاس کلان آن صورت پذیرد.

۴-۱-۲) ضرورت ازدواج مجدد و تشکیل خانواده‌های دیگر

نسبت به ضرورت ازدواج مجدد در جامعه به ادله‌ی متعددی مثل فزونی دختران آماده‌ی ازدواج نسبت به مردان، وجود زنان مطلقه و بیوه و نیاز به حمایت‌های مالی، عاطفی و جنسی، تفاوت‌های تکوینی زن و مرد در حوزه تمایلات جنسی، طولانی‌تر بودن عمر تولید مثل در مردان در مقایسه با زنان، نازایی برخی از زنان و ... استناد شده است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۴، صص ۱۹۴-۱۸۲؛ مطهری: ج ۱۹، صص ۳۲۵-۳۲۱). در ادامه به یکی از آنها که مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل تأکید‌کننده و یا ضرورت‌ساز برای تعدد زوجات و تشکیل خانواده‌های دیگر است، اشاره می‌شود:

۱. در مباحث آینده به اثبات ضرورت ازدواج مجدد پرداخته خواهد شد.

الف- فزونی شمار زنان آماده‌ی ازدواج نسبت به مردان آماده‌ی ازدواج

معمولاً در بسیاری از جوامع تعداد زنان آماده‌ی ازدواج، از مردان افزون‌تر است. برتراند راسل^۱ (۱۸۷۲-۱۹۷۰) می‌نویسد: «در انگلستان تعداد زنان در حدود دو میلیون نفر بر مردان فزونی دارد و آنها چه از دیدگاه قانون و چه از دیدگاه سنت محکوم هستند که بی‌فرزند باقی بمانند که بی‌تردید یک چنین قانون و سنتی محرومیت شدیدی برای بسیاری از آنها ایجاد می‌کند» (راسل ۱۳۵۵: ۲۹۵). این مسئله خود تابع عواملی است که در مجموع موجب این ضرورت اجتماعی می‌شود. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

- میزان تولد دختران

هر چند آمارها در برخی از مناطق جهان نشان می‌دهد میزان تولد دختران در آنها بیش از پسران است (حسینی و دیگران: ۱۲۳)، اما این عامل کلیت ندارد و نمی‌توان آن را به عنوان یک عامل اصلی برای کثرت زنان آماده‌ی ازدواج نسبت به مردان دانست، خصوصاً با توجه به این در برخی کشورها مثل ایران معمولاً آمار تولد پسران بیش از دختران است.^۲

- آمادگی زودتر دختران برای ازدواج

برای شکل‌گیری ازدواج در مرحله‌ی اول نیاز به رشد فکری، جسمی و مهیا شدن برای ازدواج است که دختران پیش از پسران، رشد و آمادگی پیدا می‌کنند. در پدیده‌ی بلوغ جنسی، عواملی چون نژاد، آب و هوا، تغذیه، فرهنگ حاکم بر جامعه و... دخیل‌اند (قائمی ۱۳۷۰: ۲۲۴). آستانه‌ی بلوغ در دختران فاصله‌ی سنی ۱۰ تا ۱۴ سالگی و در پسران ۱۲ تا ۱۶ سالگی است (لطف‌آبادی ۱۳۷۸: ۶۰ و ۶۱؛ رایس ۱۳۸۷: ۳۱۴)، و به طور طبیعی بلوغ در دختران ۲ سال زودتر از پسران رخ می‌دهد (سیف و دیگران ۱۳۷۳: ۲۸۷). از نظر رشد فکری، دختران در سال‌های ۱۱ تا ۱۵ سالگی به طور متوسط معادل ۲ سال از پسران همسال خود، در جنبه‌ی تفکر و اندیشه جلوترند (حسینی و دیگران: ۴۵۹).

بنابراین از بین دختران و پسرانی که در یک سال متولد می‌شوند، دختران چند سال زودتر از پسران آماده‌ی ازدواج می‌شوند، اما پسران هم‌سن آنها آمادگی ازدواج ندارند، دختران سال‌های قبل نیز که زودتر از پسران هم‌سن خود برای ازدواج آماده شده‌اند، به این آمار اضافه شده و طی چند سال آمار زیادی را تشکیل می‌دهند (کاظمی پور ۱۳۸۲). این دختران باید با پسرانی ازدواج کنند که قبل از

1. Bertrand Russell

۲. پایگاه سازمان ثبت احوال کشور. (در ایران طبق آخرین آمار ۱۰۵/۵ پسر در برابر ۱۰۰ دختر است).

خودشان متولد شده‌اند. این فرآیند همچنان ادامه پیدا خواهد کرد و در نتیجه همیشه تعداد دخترانی که آماده ازدواج‌اند بیش از پسران خواهد بود.

در نتیجه، در جامعه‌ی تک‌همسر گرا با گذشت زمان، همراه با رشد جمعیت بشری، همواره انبوه‌کثیری از زنان، که آمادگی و علایق تشکیل خانواده دارند، در برابر مردانی فاقد درک جنسی، قرار داشته و تمایلات آنان به نحو مشروع ارضا نخواهد گردید.

مردان به تناسب وضعیت جسمانی و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، شغل‌های پر خطر را بر عهده دارند، مثل رانندگی، ساخت و ساز ساختمان‌ها، کار در معادن زیرزمینی و... و بر این اساس فعالیت‌های بیرون از منزل آنها به طور معمول بیشتر است. درگیری‌های نظامی و نزاع‌ها، بیشتر به مردان آسیب می‌رساند (لطف‌آبادی ۱۳۷۸: ۲۴۹) و مسائل اقتصادی و اشتغالات مختلف، آنها را در معرض انواع سوانح و بیماری‌ها (سیاه زخم، کزاز، تب مالت و...) (میرحسینی ۱۳۷۵: ۳۷) قرار می‌دهد. در سنین قبل از ۶۵ سالگی، حوادث و سوانح، مهم‌ترین عامل مرگ و میر، بعد از سرطان و بیماری‌های قلبی دانسته شده است (میلتون و مارکوس ۱۳۷۳: ۱۰). آسیب‌های مغز و جمجمه در کشورهای صنعتی در میان جوانان شیوع دارد. در آمریکا، سوانح علت اصلی مرگ مردان جوان کم‌تر از ۳۵ سال است (رایس ۱۳۸۷: ۵۷۴). در این کشور، سالانه ۱۰ میلیون نفر به صدمات سر دچار می‌شوند (کاسپر و دیگران ۱۳۷۰: ۴۵۷). در ایران از کل فوت‌شدگان ناشی از حوادث رانندگی در سال ۱۳۸۸، ۱۸۱۳۹ نفر مرد و ۴۸۳۵ زن، و در چهار ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۹، ۶۲۶۱ مرد و ۱۷۶۹ نفر زن بوده‌اند (www.lmo.ir).

زنان کم‌تر از مردان به مصرف الکل و دخانیات رو می‌آورند (پیره روزه ۱۳۷۰: ۱۵)؛ از این رو به بیماری‌ها و عوارض فراوان ناشی از آنکه آسیب‌پذیری بدنی را در برابر بسیاری از بیماری‌ها بالا می‌برد، دچار نمی‌شوند (میرحسینی ۱۳۷۵: ۳۷). به طور کلی، توجه زنان به مسائل بهداشتی و درمانی بیشتر از مردان است (کاپلان، هارولد و سادوک ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۴۳۴) و پیداست که این امر می‌تواند در مرگ و میر و طول عمر تأثیر گذارد.

در این موارد با فوت مردان تعدادشان کاهش یافته و همسران آنان بی‌سرپرست می‌گردند. طبیعی است که در چنین حالتی، شمار زنان آماده‌ی ازدواج بر مردان فزونی می‌پذیرد.

در اروپا در خلال سی سال جنگ و خونریزی در جنگ جهانی دوم، مردان زیادی کشته شدند؛ به طوری که عدد مردان برای ازدواج با دوشیزگان و بیوه زنان کفایت نمی‌کرد. تنها در آلمان غربی شش میلیون زن وجود داشت که نمی‌توانستند شوهری برای خود پیدا کنند. برخی از آنان از دولت درخواست کردند قانون جواز چندهمسری را به تصویب رساند تا در پناه ازدواج قانونی، هم از امنیت

اجتماعی و تأمین اقتصادی بهره‌مند شوند و هم نیازهای غریزی آنان به طور سالم در کانون خانواده ارضا گردد. با مخالفت کلیسا چنین خواسته‌ای برآورده نشد، در نتیجه تأمین نیازها و ارضای غرایز، بسیاری از آنان را به روسپی‌گری و روابط حاشیه‌ی خیابان‌ها کشاند (موسوی لاری ۱۳۸۵: ۲۵۴). گفته می‌شود هیتلر به دنبال هدف تأمین نیروی انسانی آلمان درباره‌ی اجازه‌ی ازدواج با دو زن بوده است، چنان‌که این مطلب در سندی به خط نایب وی «مارتین بورمان» که در سال ۱۹۴۴م نوشته، آمده است (یمانی ۱۳۸۴: ۲۹).

- بیشتر بودن عمر طبیعی زنان در برابر مردان

بر اساس آمارها، به‌طور طبیعی میانگین طول عمر مردان همیشه کمتر از زنان بوده است (تفاوت طول عمر زنان و مردان، www.pezeshkan.org). به‌طور متوسط، زنان حدود هفت سال بیشتر از مردان زندگی می‌کنند (هاید، ژانت ۱۳۷۷: ۲۴۶). لازم‌هاش این است که در سال وفات مردان، تعدادی از زنان باشند ولی مردانی در برابرشان نباشند. سلول تخم حاصل از لقاح اسپرم Y (که مربوط به جنس نر است) با تخمک، استحکام و ثبات کمتری دارد (بادانتر ۱۳۷۷: ۵۷). در دوره‌ی جنینی، نوزادی، کودکی و در همه‌ی عمر مرگ و میر جنس مرد بیشتر از زن است (کلاین برگ ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۳۱۴ و ۳۱۵). نیز در میان سقط‌ها یا نوزادانی که مرده به دنیا می‌آیند، جنس مرد بیشتر به چشم می‌خورد (ام. ارویک ۱۳۷۶: ۷۹). با آنکه در بسیاری از کشورها، تولد نوزاد پسر، بیش از دختر است، در پایان عمر، آمار زنان فزونی می‌گیرد (میرحسینی ۱۳۷۵: ۳۷) و تعداد زنان بیوه بیش از مردان بیوه می‌شود، به‌عنوان نمونه در آمریکا در برابر هر ۳ زن سالمند، ۲ مرد وجود دارد (میشارا و ریدل ۱۳۷۱: ۱۵۵). بی‌گمان در شرایط مساوی از نظر تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی و روانی و مسائل اقتصادی و اجتماعی، زنان به‌طور محسوسی بیشتر از مردان عمر می‌کنند (فرنچ ۱۳۷۳: ۱۶۹). برخی محققان بر این باورند: «از لحاظ طول عمر، مقاومت در مقابل امراض و فشارهای گوناگون، سازگاری با محیط و... دانشمندان از مدت‌ها قبل پذیرفته‌اند که جنس نر از جنس ماده، ضعیف‌تر است. مرد ممکن است نیروی عضلانی بیشتری نسبت به زن داشته باشد اما توانایی پایداری او را ندارد.» (ام. ارویک ۱۳۷۶: ۷۵).

البته باید توجه داشت که بر اساس این عامل، زنان زیادی که آماده‌ی ازدواج باشند باقی نمی‌مانند، زیرا فرض این است که عمر طبیعی مردان کمتر از عمر طبیعی زنان است، و اگر مردان به عمر طبیعی فوت کنند، در آن زمان همسران آنها نیز کهنسال بوده و کسی رغبت نمی‌کند که با آنها به‌عنوان همسر دوّم ازدواج کند. بنابراین نمی‌توان زنان زیادی که مهیای ازدواج باشند پیدا کرد.

- محدودیت موقعیت دختران برای ازدواج

پسر در هر سن و با هر امکاناتی که باشد، هرگاه اراده‌ی ازدواج کند به احتمال زیاد می‌تواند توفیق یابد، اما احتمال چنین توفیقی برای دختران، که انتخاب شونده‌اند، نه انتخاب کننده، همواره کم‌تر است. بنابراین بسیاری از دختران که به هر دلیل سنّ بالایی داشته و از موقعیت اجتماعی و ظاهری مناسب برخوردار نباشند، ممکن است شانس همسر اوّل شدن را از دست بدهند.

مثلاً، صدها هزار نفر دختر روستایی به دلیل مهاجرت پسران به شهرها فرصت ازدواج را از دست می‌دهند، زیرا پسرانی که به شهرها مهاجرت کرده و موقعیت تحصیلی یا اجتماعی مناسبی پیدا می‌کنند، غالباً به ازدواج با دختران شهری رغبت نشان می‌دهند. بنابراین در موارد زیادی دختران روستایی امکان همسر اوّل شدن را از دست می‌دهند (مجدالدین ۱۳۸۶: ۳۸۶-۳۷۵).

ب) راه‌کارهای پیشنهادی در قبال فزونی زنان آماده‌ی ازدواج نسبت به مردان

در برابر این واقعیات یعنی فزونی زنان آماده‌ی ازدواج نسبت به مردان، سه راه وجود دارد:

- محرومیت همیشگی برخی از زنان از ازدواج

خانواده از کارکردهای منحصر به فردی برخوردار است که هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند به آنها تحقق بخشد. محرومیت دائمی برخی از زنان از ازدواج، فاقد توجیه منطقی است؛ زیرا به معنای سرکوب غریزه‌ی جنسی و نادیده گرفتن نیاز فطری، عاطفی و روحی گروهی از انسان‌ها و نوعی ستم بر آنان است (حسین عمادالدین: ۴۸ و ۴۹) و چه بسا به سرکشی و طغیان آنها انجامد. تجربه‌ی بسیاری از کشورهای غربی، شاهد این مدعا است.

شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «اگر عدد زنان نیازمند بر مردان نیازمند فزونی داشته باشد، منع تعدد زوجات خیانت به بشریت است، زیرا تنها پامال کردن حقوق زن در میان نیست ... بحرانی که از این راه عارض اجتماع می‌شود از هر بحران دیگر خطرناک‌تر است ... زیرا آن که از حق طبیعی خود محروم می‌ماند یک موجود زنده است با همه عکس‌العمل‌هایی که یک موجود زنده در محرومیت‌ها نشان می‌دهد ... زنان محروم از خانواده نهایت کوشش را برای اغوای مرد به کار خواهند برد» (مطهری: ج ۱۹، صص ۳۴۴ و ۳۴۵).

ایشان در ادامه می‌افزاید: «آیا مطلب به همین جا خاتمه پیدا می‌کند؟ خیر، نوبت به زنان خانه‌دار می‌رسد. زنانی که شوهران خود را در حال خیانت می‌بینند آنها هم به فکر انتقام و خیانت می‌افتند، آنها هم در خیانت دنباله رو مرد می‌شوند... شعله‌ی این آتش در نهایت امر دامن زنان خانه‌دار را هم می‌گیرد» (همان: ۳۴۵).

گرچه ممکن است برخی ازدواج مجدد مرد را نیز نوعی خیانت به همسر اول تلقی کنند، اما باید توجه داشت که چندهمسری یک قانون استثنائی و برای رفع یک معضل اجتماعی است که به عدالت و عدم ظلم به همسران مشروط شده و تنها برای افرادی که توانایی اجرای آن را دارند تجویز گردیده است. در حقیقت، دین اسلام برای برون رفت از یک بحران و ضرورت اجتماعی این راه کار را پیشنهاد کرده است تا از تحقق مفاسد بزرگ تر پیشگیری کند.

برتراند راسل (۱۸۷۲ - ۱۹۷۰) در کتاب *زنانشوئی و اخلاق* می نویسد: «در کشورهایی که تعداد زنان بر مردان زیاده می باشد، این ظلم آشکاری است که زنان زیادی بدون شوهر بمانند و نیز از لذت جنسی بی بهره مانده تجربه جنسی کسب کنند» (راسل ۱۳۵۵: ۱۰۴).

هر چند راسل در این عبارت محرومیت جنسی زنان بی شوهر را ظلم دانسته است، اما باید توجه داشت که نیاز زن به ازدواج و تشکیل خانواده تنها به ارضای نیازهای جنسی تقلیل نمی یابد و شامل موارد دیگر نیز می شود.

آرتور شوپنهاور^۱ (۱۷۸۸-۱۸۶۰م) فیلسوف آلمانی در کتاب *سخنی چند درباره زنان* می نویسد: «در بین مللی که قانون تعدد زوجات، قانونی و جایز است، امکان آنکه اکثریت قریب به تمام زنان دارای شوهر و فرزند و سرپرست باشند، یعنی خواسته های روحی و غریزه های آنان اشباع باشند، بسیار است. اما در اروپا که قوانین کلیسا به ما اجازه این کار را نمی دهد زنان بی شوهری وجود دارد و چه بسا زنان و دخترانی که تا آخر عمر به همین حال باقی خواهند ماند و چه بسیار زنان و دخترانی که بر اثر اجبار و فشار غریزه های جنسی نقد عصمت خویش را به بدن نامی می فروختند و عمری را با شرمساری و عصبانیت و جلدان می گذراندند و عاقبت به شوهر و فرزند، که هر دو خواسته های مشروع و طبیعی و حیاتی هر زن است، نمی رسیدند» (حسین عماد الدین: ۴۳ و ۴۴).

- آزادی جنسی

گزینه های دیگر توصیه های روابط نامشروع و آزادی جنسی برای زنانی است که شانس ازدواج را از دست داده اند، این همان راهی است که غرب در مقام عمل می پیماید.

مفهوم چنین رفتاری، قانونی ساختن هرگونه استفاده ی سوء و ابزاری از زنان است. جداسازی زنان از قید خانواده و ارزش های انسانی هیچ گاه رساننده ی پیام حرمت گذاری به آنان نبوده است.

محروم ماندن برخی زنان از ازدواج و تشکیل خانواده زمینه ی مناسبی برای ایجاد آزادی جنسی و به دنبال آن توسعه ی اشکال مختلف بهره برداری جنسی از زنان شده است (فرنچ ۱۳۷۳: ۶۵ و ۶۶). هرچند پیدایش این امور همیشه ناشی از منع ازدواج مجدد نیست، اما در جامعه ای که تعدد زوجات

1. Arthur Schopenhauer

ممنوع و غیر قانونی باشد و زنان نتوانند در حمایت خانواده قرار بگیرند، زمینه‌ی بسیار مناسبی برای ایجاد و توسعه‌ی بهره‌برداری‌های جنسی از زنان شده است (حسینی و دیگران ۱۳۸۱: ۵۱۹).

ویلیام گاردنر^۱ در کتاب جنگ علیه خانواده می‌نویسد: «بدون وجود ازدواج و خانواده جهت تنظیم میل جنسی، دچار آشفته‌بازاری از روابط جنسی خواهیم شد که در آن انسان‌ها به حیواناتی جفت‌جو تبدیل می‌شوند که تحریکات جنسی برایشان همه چیز، و تعهد و مسئولیت، هیچ است» (گاردنر ۱۳۸۷: ۸۸).

آزادی جنسی باعث رواج روابط جنسی در غیر نهاد خانواده، کثرت تولد فرزندان نامشروع در نهایت زوال بنیان خانواده می‌شود. بر اساس برخی گزارش‌ها در برخی کشورهای غربی ۵۰ درصد از کل متولدان آن نامشروع هستند (همان: ۱۱۳). چارلز موری گزارش می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۳ موالید نامشروع مادران نوجوان ۲۸۸ درصد صعود کرد و کل موالید نامشروع ۴۵۰ درصد افزایش یافت (همان ۱۵۵).

– اعمال قانون تعدد زوجات با شرایط خاص

راه سوم این است که با قیود و شرایطی عادلانه، چندهمسری مشروع و قانون‌مند شود و مردان با شرایط خاصی بتوانند عهده‌دار دو یا چند خانواده باشند.

دین اسلام این راه را انتخاب کرده و اجازه‌ی چندهمسری را به مردانی می‌دهد که توانایی مدیریت دو یا چند خانواده را به نحو عادلانه دارند و دستورات اکیدی را در این زمینه برای آنان وضع کرده است. این روش در واقع حقی برای زن و وظیفه‌ای بر دوش مرد ایجاد می‌کند و نه تنها به ضرر زنان نیست؛ بلکه بیشتر تأمین‌کننده‌ی مصالح و منافع آنان، خاصه زنانی که شرایط همسر اول شدن را ندارند، است.

اسلام نه چندهمسری را اختراع کرد (زیرا قرن‌ها پیش از اسلام در جهان وجود داشت) و نه آن را نسخ کرد (زیرا از نظر اسلام برای اجتماع مشکلاتی پیش می‌آید که راه چاره‌ی آنها منحصر به تعدد زوجات است) ولی اسلام رسم تعدد زوجات را اصلاح کرد (مطهری: ج ۱۹، ص ۳۵۷).

شرایطی که اسلام برای ازدواج مجدد مرد لحاظ کرده است، عبارت‌اند از:

رعایت محدودیت

اسلام گستره‌ی چندهمسری را محدود ساخته و تا چهار نفر تقلیل داده است (نساء: ۳). قبل از اسلام تعدد زوجات نامحدود بود؛ یک نفر به تنهایی می‌توانست صدها زن داشته باشد (حسنی ۷۸).

1. William Gairdner

ولی اسلام برای آن، حدّ و اندازه معین کرد، و به یک نفر اجازه نداد بیش از چهار زن داشته باشد. در تاریخ صدر اسلام نام افرادی دیده می‌شود که حین اسلام آوردن بیش از چهار زن داشتند و اسلام آنها را مجبور کرد بیش از چهار زن را رها کنند. از آن جمله نام مردی به نام غیلان بن سلمه برده می‌شود که ده زن داشت و پیامبر اکرم (ص) به او امر کرد که شش تای آنها را رها کند (حاکم نیشابوری ۱۴۱۱ه.ق: ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۲۷۷۹ و طباطبائی بروجردی ۱۴۰۹ه.ق: ج ۲۰، ص ۵۱۷). همچنین مردی به نام نوفل بن معاویه پنج زن داشت پس از مسلمان شدن پیامبر اکرم (ص) امر کرد که یکی از آنها را رها کند (شافعی: ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱۳۱۶). در روایات شیعه نیز وارد شده که یک نفر ایرانی مجوسی در زمان امام صادق (ع) اسلام اختیار کرد در حالی که هفت زن داشت. از امام صادق (ع) سؤال شد: تکلیف این مرد که اکنون مسلمان شده با هفت زن چیست؟ امام (ع) فرمود: «باید سه تا از آنها را رها کند» (حر عاملی ۱۴۰۹ه.ق: ج ۲۰، ص ۵۲۴).

رعایت عدالت

قرآن مجید در رعایت اصل عدالت بین همسران به اندازه‌ای تأکید دارد که اگر مردی می‌ترسد که نتواند بین همسران به عدالت رفتار کند، لازم است به یک همسر اکتفا کند: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء: ۳) (اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زن آزاد اکتفا کنید]). پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرموده‌اند: «کسی که دو زن داشته باشد و در تقسیم شب‌ها^۱ و تقسیم مالی بین آنها به عدالت رفتار نکند، روز قیامت در حالی که دست‌هایش بسته و نیمی از بدنش به یک طرف کج شده است آورده و به آتش داخل می‌شود» (حر عاملی ۱۴۰۹ه.ق: ج ۲۱، ص ۳۴۲). رعایت عدالت در ازدواج دو جنبه دارد:

اول. تأمین مالی

از دیدگاه اسلام نفقه و مخارج زوجه به عهده‌ی مرد است، و در حقیقت پرداخت نفقه از شئون عدالت‌ورزی بین همسران به شمار می‌رود. از این رو کسی که از اجرای عدالت مالی در بین همسران ترس دارد، مشمول آیه‌ی «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» شده و باید به یک همسر اکتفا کند.

دوم. حق قَسَم

کسی که همسران متعدد دارد باید با تقسیم شب‌ها در کنار همسران خود باشد و به نیازهای آنها رسیدگی کند. مردی که دو همسر دارد، حق هر کدام از آنها یک شب از هر چهار شب است، و مرد

۱. قَسَم در اصطلاح فقها عبارت است از قسمت کردن شب‌ها میان همسران (مشکینی: ۴۲۵).

باید نزد آن زن باشد، و دو شب دیگر متعلق به مرد است و هر جا بخواهد می‌تواند بماند. مردی که سه زن دارد یک شب برای هر زن است و یک شب متعلق به خود اوست، و مردی که چهار زن دارد، هر شب متعلق به یکی از همسران اوست، و هر شب باید در کنار یکی از آنها باشد (خمینی: ج ۲، ص ۳۰۳).^۱ البته باید توجه داشت که لزوم بیتوته در کنار همسران غیر از داشتن ارتباط جنسی با آنهاست. آنچه در تعدد زوجات واجب است، میت و گذراندن شب در کنار همسران است، اما مقدار واجب ارتباط جنسی با آنها همان چهار ماه یکبار است که نسبت به همسر واحد نیز لازم می‌باشد (حلی ۱۴۰۸ هـ.ق: ج ۲، ص ۲۱۴).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر که آن قدر زن بگیرد که نتواند با آنها نزدیکی کند و در نتیجه یکی از همسرانش مرتکب زنا شود، گناه این کار بر گردن اوست» (حر عاملی ۱۴۰۹ هـ.ق: ج ۲۰، ص ۲۴۳). با توجه به این نکات روشن می‌شود هیچ‌یک از سه منشأ مذکور صلاحیت این را ندارند که به عنوان یک حکم ثانوی و مصلحت‌ا هم منبعی برای تغییر یا تدوین قانون محدودکننده‌ی تعدد زوجات شده و علاوه بر شروط تعیین شده در شریعت (عدالت‌ورزی) آن را مشروط به شرط دیگری مثل رضایت همسر اول قرار دهند. برای وضوح بیشتر در ضمن چند جواب به ضعف این منشأها اشاره می‌شود:

۴-۱-۳) نارضایتی همسران اول از تعدد زوجات

شکی نیست که ازدواج مجدد زوج، برای غالب همسران اول خوشایند نیست و آنها از این وضعیت ناراضی هستند. اما آیا در قانون‌گذاری‌های کلان اجتماعی می‌توان صرف ناخشنودی عده‌ای از افراد جامعه را مبنای محدودیت حکمی قرار داد که در مصلحت و ضرورت آن جای تردید نیست؟ آیا موارد رضایت همسر اول به ازدواج مجدد شوهرش، که بسیار اندک است، می‌تواند ضرورت اجتماعی تعدد زوجات را برطرف کند؟

خداوند خطاب به پیامبر اکرم (ص) که به انگیزه‌ی رضایت همسرانش، سوگند بر ترک برخی از مباحات یاد کرده بود (طباطبائی ۱۴۱۷ هـ.ق: ج ۱۹، صص ۳۳۷-۳۲۹) می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ؟» (تحریم: ۱) ای پیامبر، چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی؟ این آیه اشاره دارد که آنچه آن حضرت بر خود حرام کرده، عملی حلال بوده و بعضی از همسرانش از آن عمل ناراضی بودند و آن قدر آن حضرت را در مضیقه قرار دادند و اذیت کردند تا ناگزیر شد سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد. خداوند

۱. خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیلة: ج ۲، ص ۳۰۳.

ضمن دلسوزی برای پیامبر (ص) که چرا حلالی را بر خود حرام کرده است و آن در حقیقت در اثر عتاب و سرزنش زانی بوده که آن بزرگوار را آزرده‌اند، پیامبر را به شکستن این سوگند فرا می‌خواند و اعلام می‌دارد که حسدورزی نکوهیده‌ی گروهی از زنان، نباید مانع برخورداری آن حضرت از حلال الهی گردد.

در صدر اسلام، آن‌گاه که شریعت تعدد زوجات را امضا کرد، غالب کسانی که در جایگاه «همسران اول» قرار داشتند، از این وضعیت چندان خشنود نبودند (کلینی ۱۴۰۷ ه.ق: ج ۵، ص ۴۰۳) با وجود آنکه رعایت عواطف و احساسات زنان و مدارا با آنان پیوسته در شریعت تأکید شده است (حر عاملی ۱۴۰۹ ه.ق: ج ۲۱، ص ۵۱۱)، اما در این مورد به دلیل وجود مصالح مهم‌تر، مخالفت این گروه از بانوان دلیلی موجه برای تضييق حکم به حساب نیامده است. البته در صورتی که ازدواج مجدد زوج موجب عسرو حرج زوج شود، فتوای فقیه بر اساس احکام ثانویه خواهد بود.

الف) عوامل نارضایتی زنان از ازدواج مجدد همسران

ناخشنودی بانوان از ازدواج مجدد همسران خود عوامل متعددی دارد که برخی از آنها صحیح است و باید راه‌کاری برای رفع آنها اندیشیده شود و برخی از آنها مبنای صحیحی نداشته و اصلاح آنها ضروری به نظر می‌رسد. در ادامه به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

- تحقیر شدن از سوی شوهر

در موارد متعدد دیده می‌شود که مرد بدون توجه به خواست، شخصیت، کرامت، فداکاری و زحمات فراوان همسر اول، به ازدواج دوباره اقدام نموده و زن نخست و فرزندان را در وضع نابسامانی رها کرده است. طبیعی است که در این چنین وضعیتی همسر اول احساس شکست، تنهایی و بی‌اعتمادی می‌کند و با مشکلات فراوان روحی و مادی روبه‌رو می‌گردد و نسبت به حکم جواز ازدواج مجدد بدبین و چه بسا متنفر شده و این حس بدبینی و نفرت را به دیگران نیز منتقل می‌کند. برای زن، هیچ چیز ناراحت‌کننده و کوبنده‌تر از آن نیست که توسط شوهر تحقیر گردد و احساس کند نتوانسته قلب شوهر را تسخیر کرده و در اختیار خود نگه دارد و ببیند دیگری آن را تصاحب کرده است.

مردانی که بر اساس هوس‌رانی و خوش‌گذرانی اقدام به ازدواج مجدد می‌کنند، غالباً در توان اداره‌ی همسر اول و فرزندان ضعف و کاستی فراوان دارند و در عین حالی که توانایی تأمین نیازهای خانواده‌ی اول را ندارند، بدون جلب اعتماد همسران اول و یا به رغم نارضایتی آنها به ازدواج دوم

اقدام می‌کنند. طبیعی است چنین افرادی پس از ازدواج دوّم نیز رفتارشان با زن اوّل و دوّم بر مبنای عدالت و انصاف نبوده، و با این ازدواج تنش بزرگی در زندگی همسر اوّل و فرزندان ایجاد می‌کنند. در مباحث آینده خواهد آمد که دادگاه برای تجویز ازدواج مجدد، باید توانایی مرد بر اجرای عدالت بین همسران را احراز کند. بدیهی است که یکی از راه‌های احراز عدالت مرد، تحقیق و تفحص از همسر اوّل اوست و در صورتی که چنین توانایی برای او اثبات نشود، حق ازدواج مجدد به او داده نخواهد شد.

- حس تحقیر در اجتماع

تعدد زوجات در بسیاری موارد موجب ناراحتی و کدورت بین همسران می‌شود و در طول تاریخ این اختلافات نه تنها در میان خانواده‌های معمولی، بلکه در میان همسران پیامبران بزرگ الهی نیز وجود داشته است، اینکه شریعت با وجود علاقه به حفظ مصالح و منافع همسر اول ازدواج دوم را مقید به رضایت وی نکرده، نشانگر آن است که به مصالح مهم‌تری توجه داشته است.

در کشور ما در قرون گذشته (از یک یا دو نسل گذشته به قبل) به دلیل شیوع تعدد زوجات خانواده‌ها با سهولت بیشتری با آن کنار می‌آمدند اما هم‌اکنون همسران اوّل، پس از ازدواج مجدد مردان، فشار روانی بیشتری را، که غالباً ناشی از فشار اجتماعی است، تجربه می‌کنند و ادامه‌ی زندگی برای آنان با مشکلات روحی و اجتماعی بیشتری همراه است.

فشارهای اجتماعی در دهه‌های اخیر بیش از هر چیز ناشی از عملکرد برخی از نهادهای تبلیغی، به ویژه رسانه‌های رسمی کشور (صدا و سیما، مطبوعات و سینما) بوده است که آشکارا به جوسازی و فرهنگ‌سازی علیه برخی مقررات اسلامی اقدام می‌کنند. جای تعجب است به جای آنکه نهادهای نظام همت خود را به اصلاحات فرهنگی برای خروج از معضلات اجتماعی معطوف دارند، با پاک کردن صورت مسئله، ناخواسته معضلات بیشتری را تدارک خواهند نمود.

از سوی دیگر باید توجه داشت در جوامع اسلامی فقط در چند دهه‌ی اخیر و در زمان استیلاّی فرهنگ غرب است که به چندهمسری حمله شده و کشورهای اسلامی به جای مدیریت فرهنگ عمومی به سمت مصالح جامعه اسلامی، عملاً تحت مدیریت فرهنگی نظام سلطه قرار گرفته‌اند و به جای آنکه برای آمار روزافزون دختران ناامید، زنان بیوه، مردانی که نیاز جنسی و عاطفی آنان با ازدواج اول حل نشده باقی مانده است، چاره‌ای اساسی نمایند؛ با اِعمال ضوابط محدود کننده عملاً به رواج معضلات اجتماعی و اخلاقی دامن زده‌اند.

۱. واژه‌ی دختران ناامید (عانسات) به دخترانی بالای ۳۰ سال که از انتخاب شدن برای ازدواج مأیوس شده‌اند اشاره می‌کند. آمار این دختران در دهه‌ی اخیر در کشورهای اسلامی به شدت در حال افزایش است. (ر.ک: ابو عبدالله، ۱۴۱۸ه.ق، صص ۷۰-۶۵ و صص ۱۱۲-۱۱۰)

در شرایطی که برخی از رسانه‌های عمومی در تحقیر چندهمسری، متحد عمل می‌کنند و از میان احتمالات مختلف، تنها به بوالهوسی مرد توجه می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که ازدواج مجدد مرد، چه فشار روانی را بر همسر اول تحمیل و او را در جامعه تحقیر می‌نماید و در این شرایط جامعه‌ی کارشناسی به جای آنکه انگشت اشاره را به سمت فرهنگ مسلط بگیرد با وضع قوانین محدود کننده عملاً به بسط این فرهنگ و رواج نابسامانی‌های اجتماعی کمک می‌کند (www.womenrc.ir).

به نظر می‌رسد راه‌کار صحیح و منطقی این نیست که صورت مسئله پاک شده و این حکم اسلامی که ضرورت یا مصالح فراوانی را به همراه دارد، محدود شده، و با قرار دادن شرایطی که تحقق آنها بسیار نادر است، عملاً انجام چنین ضرورتی به صورت قانونی، مسدود شود. روشن است که اگر چنین حکمی به صورت قانونی در جامعه ممنوع شود، دیگر زمینه‌ای برای فرهنگ‌سازی در راستای به‌کارگیری صحیح آن در جامعه نخواهد بود.

۴-۱-۴) تعدد زوجات و هوس‌رانی مردان

یکی از عنایات اسلام این است که در مقابل نیازهای ضروری محرومیتی ایجاد نشود. چرا که در غیر این صورت، افراد بدون توجه به چارچوب‌های مقرر اقدام خواهند کرد. توجه به ضرورت‌های موجب مشروعیت اساس چندهمسری در اسلام باعث روشن شدن جایگاه حقیقی آن برای افراد خواهد شد.

کسانی که قانون تعدد زوجات را ترغیب به هوس‌رانی می‌پندارند، تنها به یکی از لوازم هر ازدواج توجه کرده و از کارکردهای اجتماعی این قانون غفلت کرده‌اند. اسلام نه تنها توصیه و ترغیبی به هوس‌رانی ندارد بلکه از آن منع نیز کرده است. پیامبر اکرم (ص) در روایتی در مذمت مردانی که برای هوس‌رانی زنان خود را طلاق داده تا همسران دیگری اختیار کنند فرموده است: «زنان را جز در نتیجه‌ی بدگمانی طلاق مدهید که خدا مردان هوس‌رانی که بسیار زن می‌گیرند (زن می‌گیرند و طلاق می‌دهند) و زنان هوس‌رانی که بسیار شوهر می‌کنند را دوست ندارد» (حر عاملی ۱۴۰۹ه.ق: ج ۲۲، ص ۹۱، ح ۸).

امام باقر (ع) در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «خداوند متعال هر مرد و زن هوس‌رانی را که بسیار ازدواج‌کننده و زود طلاق دهنده است، دشمن می‌دارد» (کلینی ۱۴۰۷ه.ق: ج ۶، ص ۵۴).

باید توجه داشت که قرآن کریم هر چند ازدواج با چهار زن را جایز دانسته، اما در صورت خوف از اجرا نشدن عدالت، آن را به یکی محدود کرده است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [اکتفا کنید]. (نساء: ۳)

مقصود از خوف از اجرا نشدن عدالت، این است که مرد ظن بر اجرا نکردن عدالت داشته باشد یا شک کند که می‌تواند عدالت را اجرا نماید یا نه؟ بنابراین کسی که می‌تواند با داشتن همسر، اقدام به ازدواج مجدد کند که اطمینان یا ظن غالب داشته باشد که توانایی اجرای عدالت بین همسران خود را دارد. البته منظور از اجرای عدالت، جنبه‌ی بیرونی آن یعنی همان اجرای عدالت در نفقه، قسَم و حقوق واجب است و گرنه تساوی در تمایل قلبی و محبت باطنی، امری است که امکان‌پذیر نیست و از انسان خواسته نشده بلکه امری غیر مقدور معرفی شده است (نساء: ۱۲۹).

در رابطه با احراز توانایی مرد در اجرای عدالت، اگر مخاطب قرآن در آیه «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» خود افراد دانسته شود و موضوع صرفاً جنبه شخصی داشته باشد، قاعدتاً جایی برای دخالت حکومت و دادگاه در یک امر شخصی باقی نمی‌ماند، بلکه اگر مرد اطمینان به اجرای عدالت در بین همسران داشته باشد، می‌تواند اقدام به ازدواج مجدد کند، و در این تشخیص، نظر مقام دیگری شرط نیست و مسئولیت امر با خود اوست و مداخله‌ی دادگاه هنگامی مورد پیدا می‌کند که زن مدعی شود که شوهرش حقوق او را رعایت نمی‌کند. شاید فقهای شورای نگهبان در نظریه‌ی مورخ ۱۳۶۳/۵/۹ که مجازات متعاقدين و عاقد در مورد ازدواج مجدد بدون اخذ اجازه از دادگاه را خلاف شرع اعلام کردند (مهرپور ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۲۶۸) همین برداشت را داشته‌اند.

البته به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قرآن کریم مشروعیت چندهمسری را موکول به اجرای عدالت کرده، و در ازدواج مجدد قصد انتفاع خود مرد نیز به ذهن می‌رسد، و اجرا شدن یا اجرا نشدن عدالت در خانواده بازتاب اجتماعی دارد که حکومت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد، و نیز آثار و علائم تخلف برخی از مردان نسبت به رعایت این شرط مشهود و نمایان است، در صورت وضع مقرراتی در این زمینه این مقررات باید ناظر به احراز توانایی مرد بر عدالت‌ورزی میان همسران باشد، به این کیفیت که حکومت مقرر نماید باید اطمینان به امکان اجرای عدالت در حد معمول به وسیله دادگاه احراز شود تا مرد مجاز به انتخاب همسر جدید باشد و اگر روشن شد که مردی توانایی بر اجرای عدالت بین زنان را ندارد دادگاه به او اجازه ازدواج مجدد ندهد. روشن است یکی از راه‌های احراز توانایی عدالت‌ورزی مرد، تحقیق و تفحص از همسر اول او در زمینه‌ی پرداخت نفقه و سایر حقوق واجبی که بر عهده مرد است، می‌باشد.

نسبت به ضمانت اجرایی لزوم عدالت‌ورزی مرد در بین همسران، می‌توان به همان مواد قانون مدنی که درخواست طلاق را برای زن در صورت نپرداختن نفقه از جانب مرد (ماده ۱۱۲۹ ق.م)، غیبت چهار ساله‌ی او (ماده ۱۰۲۹ ق.م) و عسروخرج زوجه (ماده ۱۱۳۰ ق.م) ... تجویز می‌کند، اکتفا کرد. به این معنی که اگر مرد با رعایت نکردن عدالت در بین همسران مرتکب چنین تخلفاتی شد، هر یک از همسران با ارائه‌ی دلیل به دادگاه می‌توانند خواستار الزام مرد به ترک تخلفات و جبران آنها شده و یا درخواست طلاق داشته باشند.

بنابراین قانون چندهمسری با وجود شرایط خاص آن، هر چند نیاز طبیعی برخی از مردان را تأمین کرده و آنها را از اعمال غیر مشروع باز می‌دارد، اما با نگاهی کلان به این قانون محرومیت طیف زیادی از زنان نسبت به تشکیل خانواده برطرف شده و نیازهای طبیعی آنها نیز رفع می‌شود. نکته‌ی حائز توجه این است عدالت مدنظر شریعت که برای تجویز تعدد زوجات کفایت می‌کند، محدودتر از عدالتی است که در عرف لحاظ می‌شود. چه بسا در عرف بسیاری از امور مثل میزان توجه کردن مرد به همسران، خریدن لوازم زندگی، مقدار ارتباط جنسی و ... از مصادیق عدالت شمرده شود و بر اساس آن، بسیاری از مردان فاقد عدالت تلقی شوند (اسدی ۱۳۸۳: ۶۴ و ۶۳؛ افروز ۱۳۸۰: ۳۵)، درحالی که بسیاری از این امور هر چند از مستحبات تعدد زوجات است (حلی ۱۴۰۸ هـ ق: ج ۲، ص ۲۸۰؛ نجفی: ج ۳۱، ص ۱۸۲؛ خمینی: ج ۲، ص ۳۰۴؛ فاضل لنکرانی ۱۴۲۱ هـ ق: ۴۷۸) اما از نظر فقهی باعث خروج مرد از عدالت نمی‌شوند.

۴-۱-۵) قانون تعدد زوجات ناظر به مصالح عمومی جامعه

اسلام مجموعه‌ای از معارف و قوانین عملی است که با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و زمانی که برخی از احکام آن صحیح اجرا نشود، زمینه برای انحراف در سایر احکام و جامعه، مهیا خواهد شد. بنابراین همواره برای رهاندن مردم از ستمی که بر آنها روا می‌شود، لازم به تغییر قانون الهی نیست بلکه گاهی فهم نادرست از شیوه‌ی اجرای یک قانون الهی است که تبعات زیان‌باری را به همراه می‌آورد و این دقیقاً همان اتفاقی است که در قانون چندهمسری، رخ داده است. تجویز تعدد زوجات برای مردان به هیچ وجه بر پایه‌ی از بین بردن منزلت اجتماعی زن و هدم حقوق و استخفاف موقعیت او نیست، بلکه این قانون بر مبنای مصلحت اجتماع انسانی تجویز شده است و در آن، قیودی از جمله برقراری عدالت بین همسران مطرح شده است (رمضان نرگسی ۱۳۸۴: ۱۶۹).

به نظر می‌رسد لازم است به جای تغییر قوانین تعدد زوجات و محدودیت آن، مقرراتی وضع شود تا با کمک قرائنی توانایی عدالت‌ورزی مرد بین همسران متعدد احراز شده، آن‌گاه به او اجازه‌ی ازدواج مجدد داده شود. البته نباید از بسترسازی‌های فرهنگی برای پذیرش این امر در جامعه غفلت

کرد، مثل فرهنگ‌سازی صحیح در راستای تعدیل احساسات بانوان، آموزش ارتباط صحیح مرد با همسران، توجه به احساسات همسران خاصه همسر اول، گسترانیدن مباحث اخلاقی و...

۴-۱-۶) افزایش آمار طلاق در صورت رعایت شرط اول

مردی که بدون رضایت همسر اول اراده‌ی ازدواج مجدد کند یا به طلاق او مبادرت ورزیده و یا آنچنان زندگی را بر او سخت می‌گیرد که خودش درخواست طلاق کند، و بدین ترتیب، طلاق و پیامدهای آن در جامعه شیوع می‌یابد.

۴-۲) اشکالات شرط دوم و سوم

۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی.

۳. عدم تمکین زن از شوهر پس از صدور حکم دادگاه.

۴-۲-۱) نادیده گرفتن ضرورت اجتماعی به سبب مصلحت شخصی

از آنجا که تعدد زوجات ناشی از وجود ضرورت‌های اجتماعی است اگر آن را فقط به ضرورت‌های شخصی، از جمله بیماری همسر، احراز نشوز و... محدود کنیم، قطعاً ضرورت اجتماعی پابرجا خواهد ماند.

۴-۲-۲) افشای اسرار خانوادگی زمینه ساز اختلافات

از آنجا که اثبات تخلف زن در دادگاه، نیازمند افشای مسائل داخلی خانواده و پرونده‌سازی برای همسر اول (از جمله تبیین نارسایی جنسی، روانی و اخلاقی وی) است، عملاً زمینه‌ی سازش بعدی را کاهش و اختلافات خانوادگی را بیشتر می‌کند.

۴-۲-۳) احراز ناپذیری مسائل داخل خانواده و یأس از حمایت‌گری قانون

احراز ناپذیری بسیاری از مسائل داخلی خانواده که یأس مرد از پیگیری موضوع به شیوه‌ی قضایی را در پی دارد، مرد را تشویق به اقدامات غیرعقلانه و نامشروع می‌کند.

دشواری اثبات نشوز زن از مسائلی است که در باب نشوز نیز مطرح است و شاید همین امر باعث شده است که شارع مقدس، تنبیه زن ناشزه را با شرایط خاص به مرد بسپارد (نساء، ۳۴).

۵) ماده‌ی پیشنهادی دولت

به نظر می‌رسد ماده‌ی پیشنهادی دولت، تناسب بیشتری با دستورات شرع داشته و برای بر طرف کردن این ضرورت اجتماعی یعنی تحقق ازدواج مجدد، مفیدتر است.

ماده ۲۳. اختیار همسر بعدی، منوط به اجازه‌ی دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد

اجرای عدالت بین همسران است.

نسبت به ضمانت اجرایی تعهد عدالت‌ورزی مرد نسبت به همسران، می‌توان به برخی از مواد قانون مدنی تمسک کرد، که در گذشته به آنها اشاره شد. اما تبصره‌ی این ماده نیاز به تأمل بیشتری دارد. در تبصره چنین آمده است:

تبصره. در صورت تعدد ازدواج چنانچه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید،

اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه‌ی زن اول است.

مطابق این تبصره، پس از صدور اجازه‌ی ازدواج دوم برای مرد توسط دادگاه ثبت این ازدواج منوط به پرداخت مهریه‌ی زن اول خواهد بود. بنابراین ممکن است پس از اجازه‌ی دادگاه، مرد اقدام به ازدواج قانونی کند اما اجازه‌ی ثبت ازدواج صادر نشود. حال باید دید این نحوه‌ی قانون‌گذاری در خدمت تحکیم خانواده است یا آنکه صرفاً مشکلاتی را برای خانواده‌ی دوم ایجاد می‌کند.

این تبصره که ثبت ازدواج را منوط به تأدیه‌ی تمامی مهریه می‌داند، علاوه بر آنکه مبنای فقهی و حقوقی ندارد و دو ادعای مستقل (ادعای مهریه و ادعای ثبت ازدواج) را، که هر کدام حکم خاصی دارد، به یکدیگر گره می‌زند، خلاف مصالح اجتماعی نیز هست؛ به دلیل آنکه، با ایجاد محدودیت برای ثبت ازدواج تا زمان تأدیه‌ی تمامی مهریه، که گاه به دهها سال زمان نیاز دارد، زمینه‌ساز عملیات ستیزه‌جویانه و انتقام‌جویانه است، و تبعات آن بیش از مرد، دامن‌گیر همسر دوم می‌شود، و اگر منظور این باشد که تا زمان تأدیه تمام مهریه، مرد مجاز به ازدواج نباشد، این حکم زمینه‌ساز مفاسد اخلاقی مردان می‌گردد. البته اگر لزوم پرداخت مهریه در این تبصره، مشروط به تمکن مالی مرد، و درخواست زوجه شود، اشکال برطرف شده و با این طریق هم تمکن مالی مرد و هم وفاداری‌اش به همسر اول اثبات می‌شود.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در این تبصره، خود زمینه‌ی ستیزه‌جویی را فراهم نموده و گمان کرده است می‌توان با اهرم‌های قضایی (به جای روش‌های فرهنگی) پایه‌های حیات خانوادگی را تحکیم نمود.

نتیجه

به نظر می‌رسد محدود کردن تعدد زوجات به فرض‌های نادر، ضرورت اجتماعی چندهمسری را، اگر در جوامعی اثبات شود، برطرف نمی‌کند و باعث می‌شود زنان و دخترانی که نمی‌توانند همسر اول شوند، محروم از ازدواج و تشکیل خانواده گردند. ازدواج نکردن این زنان و دختران، علاوه بر ستم به آنها، موجب گسترش فساد، ارتباطات مخفیانه، و در بعضی موارد شیوع طلاق می‌گردد. در

نتیجه به جای ایجاد محدودیت قانونی نسبت به این راه کار دینی، لازم است با فرهنگ سازی صحیح قوانینی وضع کرد تا جلوی سوء استفاده از این آموزه‌ی دینی گرفته شود.



فهرست منابع:

- احدی، حسن و شکوه، سادات بنی جمالی ۱۳۷۳. روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)، بنیاد.
- اسدی، لیلا سادات. «تجدید فراش در حصر عدالت»، کتاب زنان، سال ۶، ش ۲۴ (۱۳۸۳).
- اشتهاوردی، علی پناه ۱۴۱۷ ه.ق. مدارک العروة، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر، ج ۲۹.
- افروز، غلامعلی. «تعدد زوجات و ازدواج موقت»، د/درسی، سال ۵، ش ۲۵، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰)
- ام. ارویک، دیوید ۱۳۷۶. انتخاب جنسیت فرزند، ترجمه‌ی عبدالخلیل حاجتی، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- بادانتر، الیزابت ۱۳۷۷. زن و مرد، ترجمه‌ی سرور شیوا رضوی، تهران، دستان و هاشمی.
- بحرانی، یوسف ۱۴۰۵ ه.ق. الحقائق المناصرة، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲۳.
- «تفاوت طول عمر زنان و مردان»، www.pezeshkan.org.
- www.iwna.ir.
- www.sabteahval.ir.
- «تأملات ابتدایی درباره لایحه تحکیم خانواده» www.womenrc.ir.
- علی احمدی، «بررسی و آسیب شناسی لایحه حمایت از خانواده»، www.norooznews.org.
- پیره، روزه ۱۳۷۰. روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه‌ی حسین سروری، تهران، جان‌زاده.
- تبریزی، جواد بن علی. صراط النجاة، ج ۶.
- شاهرودی و سید محمود هاشمی ۱۴۲۶ ه.ق. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱.
- حاکم نیشابوری ۱۴۱۱ ه.ق. المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن ۱۴۰۹ ه.ق. وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسنی، هاشم معروف ۱۴۱۱ ه.ق. تاریخ الفقه الجعفری، قم، دار الکتب الإسلامی.
- حسین، عماد الدین. زوجة واحدة لا تکفی؛ الثانیة... لا الزانیة!!، قاهره، مکتب القرآن.
- حسینی، سید هادی و دیگران ۱۳۸۱. کتاب زن، تهران، امیر کبیر.
- حکمت نیا، محمود و همکاران ۱۳۸۶. فلسفه حقوق خانواده، تهران، شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
- حلّی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن ۱۴۰۸ ه.ق. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- حیدری، احمد. «مشکلی به نام «هو»»، پیام زن، سال ۱۴، ش ۱۰، (پیاپی ۱۶۶) (۱۳۸۴).
- خمینی، سید روح الله موسوی ۱۳۷۹. کتاب البیع، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ج ۲.
- ——— تحریر الوسیلة، قم، مطبوعات دارالعلم.
- راسل، برتراند ۱۳۵۵. زناشویی و اخلاق، ترجمه‌ی مهدی افشار، تهران، کاویان.
- رایس، فلیپ ۱۳۸۷. رشد انسان، ترجمه‌ی مهشید فروغان، تهران، ارجمند.
- رمضان نرگسی، رضا. «بازتاب چندمسری در جامعه»، کتاب زنان، سال ۷، ش ۲۷ (۱۳۸۴).

زیبایی نژاد، محمدرضا ۱۳۸۸. هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری و دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- سیف، سوسن و دیگران ۱۳۷۳. روان‌شناسی رشد (۱)، تهران، سمت.
- شافعی، محمد بن إدريس أبو عبدالله. مسند الشافعی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- صدر، سید محمد ۱۴۲۰ هـ. ق. *ماوراء الفقه*، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۶.
- طباطبائی بروجردی، سید حسین ۱۴۰۹ هـ. ق. *جامع احادیث الشیعة*، قم، مهر.
- طباطبائی، سید علی بن محمد، ۱۴۱۸ هـ. ق. *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، ج ۱۱.
- طباطبائی، سید محمد حسین ۱۴۱۷ هـ. ق. *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴.
- طرابلسی، ابن براج قاضی ۱۴۰۶ هـ. ق. *المهذب*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن ۱۴۰۷ هـ. ق. *الخلاف*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۵.
- طوسی، محمد بن حسن ۱۳۸۷ هـ. ق. *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تهران، المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ج ۶.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) ۱۴۱۰ هـ. ق. *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، کتابفروشی داوری، ج ۵.
- ابو عبدالله، عبدالمحسن علی ۱۴۱۸ هـ. ق. *تعداد الزوجات بین العلم و الدین*، بیروت، دار الصفوة.
- فاضل لنکرانی، محمد ۱۴۲۱ هـ. ق. *النکاح (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة)*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فرنج، مارلین ۱۳۷۳. *جنگ علیه زنان*، ترجمه‌ی توراندخت تمدن (مالکی)، تهران، علمی.
- فلدینگ، ویلیام ۱۳۸۱. *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی ا. ح. آریان‌پور، گستره.
- قائمی، علی ۱۳۷۰. *دنیای نوجوانی دختران*، امیری.
- کاپلان، هارولد و سادوک ۱۳۷۳. *خلاصه روان‌پزشکی*، ترجمه‌ی نصرت‌الله پورافکاری، تهران، آزاده.
- کاسپر و دیگران ۱۳۷۰. *اصول طب داخلی هاریسون*، بیماری‌های مغز و اعصاب، ترجمه‌ی رضا آقاجانی و مسعود دارا، تهران، آینده‌سازان.
- کاظمی پور، عبدالمحمد. «بحران در ازدواج زنان ایران»، *آفتاب*، ش ۲۹، (مهر ۱۳۸۲).
- کلاین برگ، اتو ۱۳۶۸. *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، تهران، اندیشه.
- کلینی، محمد بن یعقوب ۱۴۰۷ هـ. ق. *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- کوئن بروس، ۱۳۷۷. *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
- گاردنر، ویلیام ۱۳۸۷. *جنگ علیه خانواده*، ترجمه‌ی معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گیدنز، آنتونی ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، نی.
- لطف‌آبادی، حسین ۱۳۷۸. *روان‌شناسی رشد (۲)*، تهران، سمت.
- مجدالدین، اکبر، «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۵۳ (بهار ۱۳۸۶).
- مجلسی، محمد باقر ۱۴۱۰ هـ. ق. *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، ج ۶.

- مشکینی، میرزا علی. مصطلحات الفقه.
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان ۱۴۱۳ ه.ق. المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید(ره).
- مور، استغفان ۱۳۷۶. دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس.
- موسوی لاری، سید مجتبی ۱۳۸۵. اسلام و تمدن غرب، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مهرپور، حسین ۱۳۷۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۳.
- میر حسینی، سید غلامرضا ۱۳۷۵. اصول اپیدمیولوژی و مبارزه با بیماری‌ها، تهران، ژرف.
- میشارا، برایان و رابرت ریدل ۱۳۷۱. روان‌شناسی بزرگسالان، ترجمه‌ی حمزه گنجی و دیگران، تهران، اطلاعات.
- میلتنون، جی. جاتون و ا. کروپ، مارکوس ۱۳۷۳، تشخیص و درمان طبی بیماریها، ترجمه‌ی عباس ادیب، تهران، البرز.
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۳۱ و ۴۳.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. ۱۴۱۷ ه.ق. عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- هاید، ژانت ۱۳۷۷. روان‌شناسی زنان، ترجمه‌ی بهزاد رحمتی، لادن.
- تکملة العروة الوثقی، کتاب القضاء، قم، کتابفروشی داورى، ج ۲.
- یزدی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم طباطبائی، ۱۴۱۹ ه.ق. العروة الوثقی (المحشى)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- یمانى، احمد زکى. «حقوق زناشویی؛ چند همسری»، ترجمه‌ی س.م. اشکذری، پیام زن، سال ۱۴، ش ۱۱ (پیاپی ۱۶۷) (۱۳۸۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی